



کلبه‌ی عموم‌تام

اثر مریت بیچراستو
ترجمه‌ی محسن سلیمانی



{متن کوتاه نشده}



این کتاب در نشر افق با قطع وزیری هم در مجموعه‌ی
«کلکسیون کلاسیک» منتشر شده است.



مدیر هنری و طراح جلد: سعید زاشکانی
حروف چینی، تصحیح و صفحه‌آرایی: آتلیه‌ی نشر افق

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۶۹-۵۴۱-۵
چاپ اول: ۱۳۸۸ تعداد: ۲۵۰۰ نسخه
ایلیتوگرافی: نوین چاپخانه: کاج، تهران

کلیه‌ی حقوق چاپ و نشر، انحصاراً برای
مؤسسه‌ی نشر افق محفوظ است.

تهران، ص.پ. ۱۱۳۵-۱۳۱۴۵، تلفن ۶۶۴۱۳۳۶۷

www.ofoqco.com

info@ofoqco.com

۹۵۰۰ تومان





سرشناسه:	استو، هریت الیزابت (بیچر)، ۱۸۹۶-۱۸۱۱ م.
عنوان و نام پدیدآور:	Stowe Harriet Elizabeth کلبی عضو تام/ هریت بیچر استو
مشخصات نشر:	تهران: افق، ۱۳۸۸.
مشخصات ظاهری:	۶۸۰ ص؛
فروست:	رمان‌های جاویدان جهان.
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۳۶۹-۵۴۱-۵
وضعیت فهرست‌نویسی:	فتی
یادداشت:	عنوان اصلی: ... Uncle tom's cabin
موضوع:	داستان‌های آمریکایی - قرن ۱۹ م.
شناسه افزوده:	سلیماتی، محسن، ۱۳۳۸ - مترجم.
رده‌بندی کنگره:	۱۳۸۸ الف ۸ ک / PS ۱۱۵۴
رده‌بندی دیویی:	۸۱۳/۴
شماره کتابشناسی ملی:	۱۳۳۱۴۸۶

درباره‌ی نویسنده و کتاب

خانم هریت بیچر استو، رمان‌نویس آمریکایی، در چهاردهم ژوئن ۱۸۱۱ در لیچفیلد ایالت کنتیکت به دنیا آمد و در یکم ژوئیه‌ی سال ۱۸۹۶، در هارتفورد همین ایالت درگذشت. او هفتمین فرزند از هشت فرزند خانواده‌اش بود. پدرش کشیش و پیرو آیین کالوین بود و او را بسیار مذهبی بار آورد. هریت پنج ساله بود که مادرش را از دست داد و پدرش دوباره ازدواج کرد و با ازدواج دوم، تعداد فرزندانش به یازده تن رسید (هفت پسر و چهار دختر). او از کودکی با کتاب‌های مذهبی آشنا شد و در آموزشگاه‌های مذهبی تحصیل کرد. طوری که اگر پسر بود،

مثل شش برادر تنی، یک برادر ناتنی و نیز بعدها مثل شوهر و یکی از فرزندان، حتماً کشیش می‌شد اما چون دختر بود، بعدها یک معلم مذهبی شد.

هریت تحصیلات عالی‌اش را در یازده سالگی، در مدرسه‌ی علمیه‌ی زنان، در هارتفورد کنتیکت شروع کرد و در بیست و یک سالگی، معلم مدرسه‌ی علمیه‌ی خواهرش در سینسیناتی شد. در دوران زندگی در سینسیناتی اوهایو، با تمایلات ضدبردگی آشنا شد. چرا که این شهر، پناهگاه بردگان فراری بود و بردگان از کنتاکی و از طریق قطاری که از سینسیناتی می‌گذشت، به شمال آمریکا و کانادا می‌رفتند.

هریت در بیست و چهار سالگی (۱۸۳۶) با یکی از معلمان همکارش به نام کالوین استوکه نه سال از او بزرگ‌تر بود، ازدواج کرد اما سال‌های اولیه‌ی زندگی‌شان

همراه با فقر و نداری بود. در سال ۱۸۵۱، آقای استو که شغل استادی در دانشکده‌ای در شهر برنزویک را به دست آورده بود، همراه با خانم استو و هفت فرزندش، به این شهر نقل مکان کرد. در هفتمین دوران (۱۸۵۰) قانون بردگان فراری تصویب شد که به موجب آن، مردم مجبور بودند که بردگان فراری را به صاحبان‌شان بازگردانند.

استو که در این زمان فقط متون مذهبی و آموزشی و درسی می‌نوشت، کم‌کم شروع کرد به نوشتن داستان‌واره برای نشریات و بالاخره، در سال ۱۸۵۱، فصل اول رمان **کلبه‌ی عمو تام** را ظاهراً با الهام از ماجرای برده‌ی سیاه‌پوست و مؤمنی نوشت که زیر شکنجه مرد، در حالی که برای شکنجه‌گرانش دعا می‌کرد. هنگامی که فصل اول رمان را به روزنامه‌ی نشنال اِرا فرستاد که طرفدار لغو بردگی بود، فکر نمی‌کرد داستان این قدر طولانی شود، اما

در پی استقبال زیاد خوانندگان، هم‌چنان به نوشتن آن ادامه داد. کلبه‌ی عمو تام یا زندگی زیردستان، در سال ۱۸۵۲ به صورت کتاب منتشر شد و در عرض نه ماه، ۱۵۰ هزار نسخه فروش رفت. طوری که چاپخانه‌های ابتدایی آن دوران، مجبور بودند شبانه روز کار کنند تا کتاب را به موقع به دست مشتریان برسانند. اگر چه به دلیل قرارداد نامناسب نویسنده با ناشر، و نبودن قانون بین‌المللی حقوق پدیدآورندگان، او نتوانست از کتابش که حتی از آثار نویسنده‌ی معاصرش دیکنز نیز در سطح جهان مشهورتر شده بوده بود، ثروتی بیندوزد.

استو بعدها شانزده اثر دیگر هم‌چون رمان‌های خواستگاری کشیش (۱۸۵۹)، مروارید جزیره‌ی اُر (۱۸۶۲) و مردم اُلداون (۱۸۶۹) نوشت که بعضی از آن‌ها به لحاظ ادبی، حتی ارزشمندتر از کلبه‌ی عمو تام است اما

هیچ کدام از این آثار در نظر مردم ارج و قربی همتای کلبه‌ی عمو تام پیدا نکرد.

با انتشار کلبه‌ی عمو تام و فروش خوب آن، خانواده‌ی استو به هارتفورد نقل مکان کرد. به علاوه، خانم استو چندی بعد، خانه‌ای قصر مانند نیز برای اقامت زمستانی‌اش در فلوریدا خرید. اما از بخت بد، در همین زمان یکی از پسرانش غرق شد، دیگری به دلیل دائم‌الخمر بودن از ارتش اخراج شد و یکی از دخترهایش نیز به مواد مخدر معتاد شد.

اگر چه هواداران خانم استو، خواستار لغو بردگی بودند، اما خود او حمایت چندانی از لغو بردگی نمی‌کرد. به همین دلیل وی برای دفاع از خود و رمان کلبه‌ی عمو تام در سال ۱۸۵۳، کتاب راهنمای کلبه‌ی عمو تام را منتشر کرد و در آن برای اثبات واقعی بودن حوادث این کتاب، شواهدی از

قوانین، محاکمات دادگاه‌ها و نامه‌های خصوصی افراد ارائه کرد که با استقبال گرم انگلیسی‌ها روبه‌رو شد. مدتی بعد هم سفرهایی به انگلستان کرد. پس از جنگ داخلی آمریکا (۱۹۶۱) نیز در فلوریدا ساکن شد و تا آخر عمر زندگی آرامی را در پیش گرفت.

همان گونه که آمد، کلبه‌ی عمو تام در ابتدا به صورت پاورقی در یکی از روزنامه‌ها چاپ شد و وقتی به صورت کتاب منتشر شد، نه تنها در آمریکا، بلکه در تمام کشورهای جهان نیز میلیون‌ها نسخه از آن فروش رفت و تا سال‌ها نمایش‌هایی براساس آن بر صحنه‌ی تئاترهای جهان اجرا شد. دیری نگذشت که در آمریکا، خانم استو، از یک سو به شخصیتی بسیار محبوب و از سوی دیگر به چهره‌ای بسیار منفور مبدل شد. حتی در گرماگرم جنگ داخلی آمریکا، آبراهام لینکلن رئیس جمهور وقت

آمریکا، در ملاقاتی به او گفت: «پس شما همان خانم کوچکی هستی که باعث جنگی بزرگ (جنگ داخلی آمریکا) شد!» گو این که در واقع آن‌طور که بعدها معلوم شد، جنگ بین شمال صنعتی که محتاج کارگر بود تا کشاورز، و جنوبی‌های کشاورز که محتاج بردگان بودند، بیش‌تر دلایل اقتصادی داشت تا احساسی و رمانتیک. اما به دلیل این که تقریباً جنگ داخلی ده سال پس از انتشار کتاب آغاز شد، عده‌ای انتشار این رمان را جنجالی‌ترین حادثه در تاریخ رمان‌نویسی می‌دانند.

کلبه‌ی عمو تام از همان ابتدا مدافعان بسیاری داشت اما این باعث نشد تا برخی از منتقدانش ضعف‌های فنی آن را نادیده بگیرند. رمان‌نویس و عارف مشهور قرن نوزدهم، لئو تولستوی، پس از خواندن کتاب در ستایش آن گفت که «این رمان یکی از بزرگ‌ترین فرآورده‌های ذهن بشر

است». هنری جیمز نیز با وجود این که کتاب را به لحاظ هنری منطبق با معیارهای فنی خود نمی‌دید، اعلام کرد: «این رمان یک پیروزی برای نویسنده است و کلبه‌ی عمو تام، ماهی جهنده‌ی شگفت‌انگیزی است که در فضایی بالای آب جست‌وخیز می‌کند.» با وجود این، در همان زمان نیز نویسندگان بزرگی هم‌چون چارلز دیکنز، در نقدی که در یکی از نشریات ادبی درباره‌ی کلبه‌ی عمو تام نوشت، کتاب را اثری "معیوب" نامید و از ضعف‌های هنری آن که به لحاظ محتوایی بی‌شباهت به آثار او نیست، گله کرد.

صرف نظر از تمام تعریف‌ها و تکذیب‌ها، واقعیت این است که شهرت جهانگیر کلبه‌ی عمو تام، مثل بسیاری از آثار کلاسیک، نه به خاطر جنبه‌های فنی، چهارچوب سست، حوادث و شخصیت‌های گاه رمانتیک و

انشاپردازی‌ها و پرگویی‌ها و اظهار نظرهای مقاله گونه‌ی نویسنده، بلکه به خاطر محتوای انسانی، احساس برانگیز و داستان‌گویی تا حدی موفق آن است.

۰۴. س.

عصر یک روز سرد فوریه، دو مرد نجیب‌زاده، در سالن پذیرایی مجلل خانه‌ای در شهر پ در کنتاکی، تنها کنار هم نشسته بودند. مستخدمی در آن جا نبود. صندلی‌های دو مرد خیلی به هم نزدیک بود و ظاهراً درباره‌ی موضوع مهمی صحبت می‌کردند. یکی از مردان، کوتاه قد و تنومند بود و بیش از حد به سر و وضع خود رسیده بود: جلیقه‌ای پرزرق و برق و رنگ و وارنگ به تن داشت و دستمال گردنی آبی با خال‌های زرد به گردنش بسته بود. انگشتان پت و پهن و زمختش پر از انگشترهای تزیینی بود و زنجیر طلای ساعت کلفتی داشت که یک مشت انگشتر و